

چکیده

مبانی فقهی عملیات استشهادی از دیدگاه شیعه و اهل سنت کتابی فارسی که به از منظر فقه شیعه و اهل سنت می‌پردازد. امیر مستندسازی عملیات استشهادی ملامحمدعلی نویسنده کتاب، مباحثی چون مفاهیم جهاد، شهادت و عملیات استشهادی و همچنین، ادله فقهی و شرایط عملیات استشهادی و شبهات مربوط به آن را در دو بخش و یک خاتمه در این کتاب ارائه می‌دهد.

مؤلف با استناد به آیاتی از قرآن، روایات، اجماع فقها و دلیل عقلی قائل به جواز عملیات استشهادی شده است و آن را مصداقی از جهاد دفاعی دانسته است. او با استناد به نظرات فقهای شیعه سه شرط برای جواز عملیات استشهادی بیان می‌کند؛ (۱) حفظ اسلام و مسلمین، (۲) اذن ولی فقیه و (۳) عدم کشتار بی‌گناهان. به گفته او، اهل سنت نیز شرایطی چون اعتلای اسلام، اذن حاکم شرع و مصلحت اسلام را برای جواز عملیات استشهادی مطرح کرده‌اند. او همچنین با بیان تعدادی از فتاوی فقها مانند وجوب جهاد دفاعی، لزوم حفظ اسرار جنگی مسلمانان و جواز حمله تک‌نفره به قلب لشکر دشمن، مستنداتی برای جواز عملیات استشهادی ارائه کرده است.

نویسنده در نهایت با بیان وجود شباهت ظاهری میان عملیات استشهادی و انتحاری معتقد است، به دلیل تفاوت نیت میان این دو عملیات و هدف آنها، نمی‌توان آن دو را یکی دانست.

معرفی و گزارش ساختار

کتاب مبانی فقهی عملیات استشهادی از دیدگاه شیعه و اهل سنت به قلم امیر ملامحمدعلی در سال ۱۳۸۵ ش تألیف و توسط انتشارات زمزم در قم منتشر شد. کتاب شامل هشت فصل در دو بخش و یک خاتمه است. نویسنده در بخش اول ذیل عنوان کلیات به بررسی مباحثی چون مفاهیم جهاد، شهادت، عملیات استشهادی و انتحاری (ص ۱۷)، ارزش شهید، مفهوم شهادت‌طلبی و جایگاه شهادت‌طلبان در صدر اسلام و دوران معاصر (ص ۳۰)، ادله فقهی وجوب دفاع (ص ۷۰) و ماهیت عملیات استشهادی (ص ۸۵) پرداخته است.

بخش دوم کتاب نیز به ادله فقهی عملیات استشهادی (ص ۱۰۳)، دلایل جواز این نوع عملیات (ص ۱۳۵) و فتاوی فقهای معاصر شیعه و اهل سنت می‌پردازد (ص ۱۷۰). نویسنده در خاتمه، سه شبهه درباره عملیات استشهادی (شباهت عملیات استشهادی با خودکشی، کشته شدن افراد بی‌گناه و استفاده از زنان در عملیات انتحاری) را مورد بررسی قرار داده است (ص ۱۹۱).

دلایل وجوب دفاع

مؤلف قبل از ورود به مسئله عملیات استشهادی، به عنوان مقدمه به بررسی دلائل اصل وجوب دفاع از جان، مال، ناموس، وطن و دین می‌پردازد. به گفته او، دفاع یا به صورت شخصی است که در کتاب حدود بحث می‌شود و یا دفاع از کیان اسلام و بلاد اسلامی

است که جایگاه آن در کتاب جهاد دفاعی است. دستور به دفاع نیز از نظر نگارنده یا به مسئله آمادگی دفاعی اشاره دارد که قبل از تهاجم دشمن است، یا به اقدام دفاعی اشاره دارد که هنگام تهاجم رخ می‌دهد (ص ۶۸-۶۹)

نویسنده، چهار دلیل اصلی برای وجوب دفاع را در متون دینی شامل عقل، آیات، روایات و اجماع فقها می‌داند. به گفته او دفاع از جان، مال، ناموس، دین و وطن امری عقلانی و از دلائل قرآنی (ص ۷۴) و [آیه ۲۹ سوره حج](#) فطری است (ص ۷۳). او [آیه ۱۹۰ سوره بقره](#) وجوب دفاع می‌داند (ص ۷۵)، همچنین از چند روایات برای اثبات جهاد دفاعی بهره می‌گیرد (ص ۷۶-۷۷). او در نهایت اجماع فقهای مسلمان را به عنوان آخرین دلیل برای وجوب دفاع معرفی می‌کند (ص ۷۷).

تنها در زمان حضور امام به گفته نویسنده، فقهای شیعه بر این باورند که [جهاد ابتدایی](#) معصوم (ع) جایز است؛ اما جهاد دفاعی هر زمانی که اسلام و مسلمانان مورد هجوم قرار گیرند، قابل اجرا است (ص ۷۷). او در ادامه به بررسی نظرات فقهایی چون شیخ طوسی، علامه حلی، محقق حلی (ص ۷۸)، شهید ثانی (ص ۷۹)، صاحب جواهر (ص ۸۰) و [امام خمینی](#) (ص ۸۴) در باره وجوب دفاع می‌پردازد.

شرایط عملیات استشهادی از نگاه فقهای شیعه و اهل سنت

نویسنده در فصل پنجم بخش اول ابتدا به بیان ماهیت، ویژگی‌های و آثار عملیات استشهادی می‌پردازد. او عملیات استشهادی را روش دفاعی جدیدی محسوب می‌کند که مبارزان مسلمان برای رویارویی با دشمن معمولاً با ابزار کشنده که در گذشته معمول نبوده به دشمن حمله می‌کنند و موجب کشته و زخمی شدن تعدادی از افراد دشمن می‌شود و در ضمن آن خود نیز کشته می‌شود (ص ۸۵-۸۶). او همچنین به بررسی شرایط عملیات استشهادی از دیدگاه فقهای شیعه و اهل سنت پرداخته است. به گفته او، فقهای شیعه سه شرط اصلی برای این نوع عملیات ذکر کرده‌اند: نخست، این عملیات باید در جهت دفاع و حفظ اسلام و مسلمانان باشد و انجام آن برای این هدف ضروری تلقی شود؛ دوم، انجام عملیات باید با اذن و اجازه ولی فقیه، حاکم شرع، مجتهد جامع‌الشرایط یا رهبری شرعی صورت گیرد؛ و سوم، در جریان عملیات، افراد بی‌گناه و غیرمهاجم نباید کشته شوند (ص ۹۲-۹۳).

از سوی دیگر، وی شرایط عملیات شهادت طلبانه از منظر فقهای اهل سنت را این‌گونه بیان می‌کند: نخست، هدف باید برای اعتلای اسلام باشد؛ دوم، مجری عملیات باید یقین یا ظن غالب داشته باشد که این اقدام به شکست یا تضعیف دشمن منجر خواهد شد؛ سوم، عملیات باید علیه کفاری انجام شود که علیه اسلام اعلان جنگ کرده یا در حال جنگ هستند (ص ۹۵)؛ چهارم، این عملیات باید با اذن حاکم شرع صورت گیرد (ص ۹۷)؛ و در نهایت، به صلاح و مصلحت اسلام و مسلمانان باشد (ص ۹۸).

دلایل جواز عملیات استشهادی

نویسنده در بخش دوم کتاب به بررسی مبانی فقهی عملیات استشهادی می‌پردازد. او دلایل جواز را ذیل دو فصل ادله فقهی مستقل و مباحث فقهی مورد استناد برای جواز این نوع عملیات ارائه می‌دهد.

دلایل مستقل جواز عملیات استشهادی

مؤلف در ابتدای بخش دوم کتاب به بررسی دو نوع ادله نقلی و عقلی برای اثبات جواز عملیات استشهادی می‌پردازد. اولین دلیل قرآنی مورد استناد نویسنده [آیه ۶۰ سوره](#) است که مسلمانان را به آماده‌سازی نیرو و ادوات جنگی برای ترساندن دشمن [انفال](#) تشویق می‌کند. به باور نگارنده عملیات استشهادی به بهترین وجه می‌تواند در دل دشمن هراس افکند پس مصداق این آیه خواهد بود (ص ۱۰۳-۱۰۸). او همچنین بر اساس [سوره توبه](#)، و [آیات ۴۱، ۱۱۱](#) آیات دیگری از قرآن از جمله [آیه ۲۰۷ سوره بقره](#) عملیات استشهادی را از برترین نمونه‌های جهاد می‌داند. وی معتقد است در این نوع عملیات، رضایت الهی، ایجاد رعب در دشمن و حمایت از دین الهی به وضوح دیده می‌شود و آن را برجسته‌ترین شکل جهاد با جان معرفی می‌کند (ص ۱۰۸-۱۱۶).

در ادامه بیان دلائل نقلی، نویسنده، ۱۳ روایت از منابع شیعه و اهل سنت را بررسی کرده (ص ۱۱۷-۱۲۵) و با تحلیل سندی و محتوایی آنها نتیجه می‌گیرد که اهداف ذکر شده برای جهاد در این روایات، در عملیات استشهادی نیز وجود دارد. بنابراین، حکم به جواز این نوع عملیات می‌دهد (ص ۱۲۵-۱۲۶). مؤلف همچنین به سیره عملی انبیا و اولیای الهی اشاره می‌کند و معتقد است که شخصیت‌هایی مانند حضرت زکریا(ع)، حضرت یحیی(ع) و امام حسین(ع)، با جانفشانی از دین و پیروان خود دفاع کردند. او این دفاع را مشابه عملیات استشهادی می‌داند که در آن، افراد برای حفظ دین و مسلمانان جان خود را فدا می‌کنند (ص ۱۲۶-۱۲۸). وی داستان‌هایی نظیر ماجرای آرایشگر دختر فرعون و اصحاب اخدود را نیز به‌عنوان شواهدی برای جواز عملیات استشهادی ذکر می‌کند. به باور او، این افراد برای بقای دین الهی، جان خود را فدا کردند و این امر را می‌توان شاهی بر مشروعیت چنین عملیاتی دانست (ص ۱۲۸-۱۳۳).

مؤلف پس از بیان دلائل نقلی، دلیل عقلی را به عنوان چهارمین دلیل مستقل مطرح می‌کند. او می‌گوید که در مواقع تراحم بین حفظ جان و حفظ دین، عقل بقای دین را اولویت می‌دهد. به همین دلیل، در عملیات استشهادی نیز افرادی که دین را بر جان خود مقدم می‌دانند، عملشان از نظر عقلی موجه است. (ص ۱۳۳) برخی فقهای شیعه نیز با استناد به همین دلیل عقلی، جواز عملیات استشهادی را تأیید کرده‌اند (ص ۱۳۴).

فتاوی فقهی مورد استناد برای جواز عملیات استشهادی

مؤلف کتاب، نوع دوم از دلائل مورد استناد برای جواز عملیات استشهادی را فتاوایی از فقها می‌داند که در مباحث گوناگون فقهی صادر شده است مانند وجوب جهاد دفاعی در هر شرایطی، لزوم استقامت تا پیروزی، حفظ اسرار نظامی تا سر حد مرگ، جواز حمله تک‌نفره به قلب لشکر دشمن، جواز انتخاب مرگی که گریزی از آن نیست و ترس (کشتن

انسان‌هایی که سپر جنگی شده‌اند). البته نویسنده تمامی این دلایل را در اصل به وجوب عقلی و نقلی حفظ دین با جان و مال بازمی‌گرداند (ص ۱۲۵-۱۶۸)

وجوب جهاد دفاعی و استقامت در برابر دشمن تا پیروزی

نگارنده با استناد به نظر بسیاری از فقهای شیعه از قرن سوم هجری به بعد، از جمله شیخ طوسی، ابن ادریس، علامه حلی، شهید اول و ثانی و صاحب جواهر که دفاع از جان، مال، ناموس، وطن و دین را واجب دانسته‌اند (ص ۱۲۶-۱۳۷)، معتقد است که عملیات استشهادی نیز به عنوان نوعی جهاد دفاعی، جایز است (ص ۱۳۸) چنانچه برخی از عالمان اهل سنت نیز این نوع عملیات را مجاز می‌دانند (ص ۱۳۹)

یکی دیگر از دلایلی که مولف مطرح می‌کند، وجوب استقامت در برابر دشمن است. بر اساس فتوای فقهای شیعه و اهل سنت، مقاومت در برابر دشمن حتی تا مرز جان، واجب است. نگارنده عملیات شهادت‌طلبانه را یکی از روش‌های استقامت و مقابله با دشمنان معرفی می‌کند (ص ۱۴۱-۱۴۵)

حفظ اسرار نظامی

حفظ اسرار نظامی تا پای جان نیز از دیگر دلایل مطرح‌شده است. نویسنده بیان می‌کند که طبق فتوای فقهای شیعه و اهل سنت، اگر اسیری احتمال دهد زیر شکنجه، اسرار مسلمانان را افشا کرده و موجب شکست آنها شود، خودکشی او جایز است (ص ۱۴۵). بر این اساس، در شرایط خاص برای حفظ اسرار نظامی مسلمانان، عملیات استشهادی نیز می‌تواند مجاز باشد (ص ۱۴۷)

جواز حمله تک‌نفره به قلب لشکر دشمن

جواز حمله تک‌نفره به قلب لشکر دشمن از دیگر فتاوایی است که نویسنده با استناد به آن قائل به جواز عملیات استشهادی می‌شود (ص ۱۴۷). به گفته مولف، بر اساس برخی روایات (ص ۱۴۹) و فتوای برخی فقهای اهل سنت (ص ۱۴۷-۱۵۰)، اگر فردی با یقین یا ظن قوی بداند که با حمله به قلب لشکر دشمن کشته می‌شود، اما این اقدام برای رضای الهی باشد و به نابودی دشمنان منجر شود، عمل او جایز است (ص ۱۴۹). نگارنده توضیح می‌دهد که در عملیات استشهادی نیز فرد یقین دارد که با این اقدام، دشمنان نابود شده و خود او نیز کشته می‌شود. او معتقد است که تفاوتی ندارد عامل شهادت، دشمن باشد یا خود فرد؛ چرا که در هر دو حالت، این عمل به نیت رضای خدا و وارد کردن خسارت به دشمن انجام می‌شود (ص ۱۵۱)

انتخاب مرگ گریزناپذیر

مولف با استناد به این فتوای فقها که اگر فردی در کشتی گرفتار آتش شود، می‌تواند خود را به دریا بیندازد، حتی اگر بداند در دریا نیز جان خود را از دست می‌دهد (ص ۱۵۲)، معتقد است، افرادی که عملیات استشهادی انجام می‌دهند، با وجود آگاهی از شهادت خود، راهی جز این ندارند (ص ۱۵۳)

تترس (کشتن انسان‌های سپر شده برای دشمن)

نویسنده به نظرات فقهای شیعه همچون شیخ طوسی، ابن براج، ابن ادریس و علامه حلی اشاره می‌کند که فتوا داده‌اند در صورتی که دشمن از انسان‌ها (اعم از زنان و مردان دشمن یا اسیران مسلمان) به‌عنوان سپر دفاعی استفاده کند، مسلمانان می‌توانند به‌قصد کشتن دشمن اقدام کنند، حتی اگر افراد بی‌گناهی که به‌عنوان سپر قرار گرفته‌اند، کشته شوند (ص ۱۵۴-۱۵۷). همچنین فقهای مانند محقق اردبیلی، صاحب جواهر، خویی و امام خمینی تصریح کرده‌اند که اگر تنها راه غلبه بر دشمن کشتن سپر انسانی باشد، این کار جایز است (ص ۱۵۸-۱۶۰). عالمان اهل سنت نیز چنین نظری دارند، اما تأکید دارند که نیت باید کشتن دشمن باشد، هرچند ممکن است افراد بی‌گناه نیز کشته شوند (ص ۱۶۰-۱۶۳). مولف از این حکم فقهی نتیجه می‌گیرد که اگر برای جلوگیری از ضرر دشمن و غلبه بر او، کشتن افراد بی‌گناه جایز باشد، پس در شرایطی که تنها راه مقابله با دشمن عملیات شهادت‌طلبانه است، این عملیات نیز اشکالی ندارد، حتی اگر به کشته شدن افراد بی‌گناه منجر شود (ص ۱۶۴-۱۶۸).

تفاوت عملیات استشهادی با عملیات انتحاری

نویسنده در بخش خاتمه به بررسی چند شبهه می‌پردازد که ازجمله آنها شباهت با عملیات انتحاری است. او با بیان ماهیت انتحار و ظاهری میان عملیات استشهادی ادله حرمت آن از منظر قرآن، روایات و عقل، در بیان تفاوت این دو نوع عملیات، به این نکته اشاره می‌کند که عملیات استشهادی علیه متجاوزان به سرزمین اسلامی بکار گرفته می‌شود و نوعی جهاد دفاعی است و اگرچه با عملیات انتحاری شباهت ظاهری دارد ولی چون نیت متفاوت است حکم آن هم متفاوت خواهد بود (ص ۱۹۱-۲۱۵).

نویسنده به دو شبهه دیگر نیز درباره عملیات استشهادی اشاره می‌کند که یک کشته شدن افراد بی‌گناه در حین انجام عملیات است و دیگر شرکت زنان در چنین عملیات‌هایی. او با اشاره به اهداف بالاتر جهاد، کشته شدن افراد بی‌گناه را در حال ضرورت مانند مسئله تترس جایز می‌داند و اینکه در جهاد دفاعی فرقی بین مرد و زن نیست پس شرکت زنان در عملیات استشهادی مانعی ندارد (ص ۲۱۵-۲۳۱).